

سیمای زن شاغل در سینمای ایران



محبوبه سلطانی
طراح لباس

زن از خانه خارج شود یا در خانه را به روی غریبه بگشاید، در حقیقت فاجعه‌ای مه‌آلود را آغاز کرده است. مانند دختر جوانی که در فیلم «بن‌بست» در خانه را به گمان عشق به روی مرد ناشناس می‌گشاید و مسبب فروپاشی خانواده‌اش می‌شود.

پس از پیروزی انقلاب و بسترسازی فرهنگی برای اشتغال زنان در بیرون از خانه، نوید حضور پررنگ‌تر زنان در سینما به گوش می‌رسید. هم‌چنین با از میان رفتن بخش مبتذل بدنه سینما که جایگاه زن را به ابژه میل مردانه کاهش داده بود، این امید افزایش یافت ولی بلا تکلیفی و سردرگمی فیلم‌سازان با ایجاد سیاست‌گذاری‌های جدید فرهنگی و رکود سینما باعث شد سینماگران بیشتر به سراغ قصه‌های مردانه و داستان‌هایی برگرفته از وقایع انقلاب اسلامی بروند. در این مسیر هنرمندان سینما به جای اصلاح نگرش خود به زنان و تعیین ماهیت انسانی و نیازهای واقعی آن‌ها، به موضوعاتی روی آوردند که بتوانند به کمک آن‌ها، شخصیت زن را از قصه‌هایشان بیرون کنند. نمونه‌اش فیلم «سفیر» که آن زمان با افتخار تنها فیلمی بدون بازیگر زن قلمداد می‌شد و به این مسئله می‌بالید. البته زن به عنوان چهره کلیدی در بسیاری از آثار فیلم‌سازان موج نوی سینمای ایران چه قبل از انقلاب چه پس از انقلاب حضور داشت که به دلیل اندک بودنش در این تحقیق از آن چشم‌پوشی شده است ولی نمی‌شود از نقش مهم و اساسی بهرام بیضایی در بازساخت هویت زنانه و اسطوره زن در سینمای ایران سخن نگفت. در همان اوضاع بلا تکلیفی هم بیضایی فیلم «مرگ یزدگرد» را ساخت که نگاهی زنانه به اتفاقات آن زمان با زبانی تمثیلی و تاریخی بود. هنوز اوضاع سینما به بهبودی نسبی نرسیده بود که جنگ رخ داد و سینما تحت تأثیر آن باز هم زنان را فراموش کرد و نگاهش به آن‌ها به عنوان مادرانی دلسوز و همسرانی وفادار محدود ماند و حتی به نقش بزرگشان به عنوان رزمندگانی در این جبهه نگاهی ننهاد. بنا به تحقیق نغمه ثمنینی: با نگاهی کلی به آثارهای سینمای دفاع مقدس، می‌توان به روشنی دریافت که از مجموع هفتاد فیلم ساخته شده بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ که به نوعی با جنگ ارتباط دارند، فقط هفت فیلم را می‌توان یافت که زنان در آن‌ها نقش‌های اصلی را بر عهده دارند و در ۴۲ فیلم زنان دیده نمی‌شوند.

با مرور این دوره، فقط محدود زنانی وجود دارند که در سینما این تصویر رایج مردانه را شکسته‌اند و توانسته‌اند صلابت زنانه را به تصویر بکشند، جدا از زنان سینمای بیضایی و «مادر» علی حاتمی، شاید مهم‌ترین آن‌ها رضوانه فیلم «مادیان» باشد، زنی که می‌فهمد برای ادامه در روستا باید همچون مادیان، هیزم بر دوش کشد و جای مرد غایب خانه، کار کند و نان بچه‌هایش را بدهد. اما در سینمای پس از جنگ، زن به آرامی جایگاه خود را پیدا می‌کند. در سینمای مهرجویی شخصیتی مستقل می‌گیرد و با «نرگس» ساخته رخشان بنی‌اعتماد به زنی متفکر و عمل‌گرا تبدیل می‌شود. در فیلم «همسر» در رقابت با شوهرش پیشی می‌گیرد و امروزه حتی به مدیر و اداره‌کننده بزرگ‌ترین شرکت‌های تجاری تبدیل شده است. امروزه و در سینمای امروز به تبع جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم زن تصویر خانواده و خانه نیست که تجسم مدیریتی زیرکانه و کارآمد است و نقش‌های اجتماعی نه تنها در سینما که در اجتماع هم از کلیشه‌های جنسیتی رها شده و نگاهی شایسته‌سالار بدون در نظر گرفتن قابلیت‌های جنسیتی به خود گرفته است.

در بررسی نقش زنان شاغل در سینمای ایران، مانند هر پدیده مشابهی، ابتدای امر نیاز است مسئله را از لحاظ فرهنگی و اجتماعی بررسی کنیم زیرا سینما نمود جامعه است و سینما در هر دوره‌ای در حقیقت بازخورد اجتماعی آن دوره است که زیستش در آینه تصاویر زنده و جاودانه می‌ماند. در نتیجه این یادداشت پیش از هر چیز باید کلیشه‌های سنتی موجود به زنان و حضور اجتماعی‌شان را در دوره‌های متفاوت بررسی کند. در دوره قبل از انقلاب، با توجه به موانع فرهنگی و اجتماعی اشتغال زنان، و از آنجا که فرهنگ عمومی و مذهبی سبک مدیریتی و اشتغال‌زایی حکومت را برای زنان را نمی‌پسندید، زنان نیز از اشتغال دوری می‌جستند. با تکیه بر آمار منتشرشده در کتاب «تأثیر جنسیت بر اشتغال زنان»، نوشته فهیمه ملک‌زاده، در دوران پیش از انقلاب و نیز در سال‌های اولیه پس از انقلاب، سهم مشارکت زنان در اشتغال در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته و نیز سایر کشورهای در حال توسعه به صورت درخور توجهی پایین بوده است. سینمای ایران هم در آن سال‌ها بیانگر همین تصویر از زن ایرانی بوده و در اغلب فیلم‌های سینمای پیش از انقلاب زن به عنوان ابژه عشقی یا ابژه غیرت برای قهرمان مرد یا عنصر محرک قهرمان تصویر می‌شد. این زن همیشه بیرون از خانه مورد هجوم قرار می‌گیرد و فضای بیرون از خانه همیشه فضایی مردانه است. چنان که در فیلم «پستچی» کارگری زن در بیرون از خانه آغاز فاجعه را رقم می‌زند و به سقوط ذهنی و روانی قهرمان مرد می‌انجامد. این فضای بیرونی، فراتر از محیط کار که برای زن خانه‌دار هم پر از مصیبت و خطر است و اگر به اتفاق هم‌این



۲۸ شهریور ۱۴۴۳ شماره ۳۶۷۷

(۸)

شهرزاد

آذری خاکستر
پژوهشگر تاریخ



زنان به روایت مطبوعات در تاریخ

روزمه را گزارش کرده است. به هر حال، در ابتدای روزنامه‌نگاری حتی اخباری که مهم نبودند در مطبوعات منعکس می‌شدند و چنین به نظر می‌رسد که اتفاقات آن ایام درباره زندگی شخصی افراد یا مسائل سیاسی و اجتماعی بوده است. این روزنامه ۱۷۶ سال پیش در شماره ۸ وقایع اتفاقیه مورخ ۲۴ جمادی‌الاول ۱۲۶۷ به درگذشت همسر امام‌جمعه آن زمان پرداخته و چنین گزارش کرده است: زوجه جناب امام‌جمعه مشهد که دختر تهماسب خان تیموری بوده وفات یافته. از قراری که نوشته بودند هشت روز دهانش بسته شده بود که نمی‌توانسته غذا بخورد و نه قادر به حرف زدن بوده است. روز نهم فوت شده است.

یا در تاریخ ۲۳ شوال ۱۲۶۷، روزنامه وقایع اتفاقیه به اختلاف و دعوای زن و شوهری پرداخته که این اختلاف موجب گم شدن فرزندشان شده است: در شهر مشهد، شخصی با زن خود دعوا کرده بوده است. در ماه گذشته رمضان المبارک زن قهر کرده و از خانه بیرون رفته است. طفلی کوچک داشته‌اند. مادرش چنان تصور کرده است که در خانه مانده است در نزد پدرش و پدرش چنان دانسته که همراه مادرش بیرون رفته است. بعد از یک شبانه‌روز که زن به خانه آمده و با شوهر صلح کرده، به فکر طفل افتاده‌اند.

همین روزنامه در شماره ۴۷ به تاریخ ۲ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ به خودکشی یکی از افراد در سبزوار پرداخته است. به موجب این خبر، از قراری که در روزنامه سبزوار نوشته بودند، در بلوک کاج، ابراهیم‌نام دختری داشته که بدون اذن پدر خود شوهر کرده بوده است. مشارالیه بعد از شیدن این کیفیت، ریسمانی به گلوی خود انداخته و خود را هلاک کرده است.

با دقت و تأمل در محتوای این روزنامه چنین برداشتی می‌شود که هرچند این روزنامه در تهران منتشر می‌شده است، گزارش‌های مندرج در آن به جزئیات و اخبار مربوط به زنان نیز اختصاص دارد. به نظر می‌رسد اخبار و گزارش‌های منتشرشده درباره زنان خراسان در این روزنامه هرچند جزئیاتی از زندگی را بیان کرده‌اند، بیشتر کوتاه و در حد خبر بوده‌اند.

«وقایع اتفاقیه» دومین روزنامه‌ای است که در ایران به صورت هفته‌نامه، به شیوه چاپ سنگی و با خط نستعلیق به همت و تشویق میرزا محمدتقی خان امیرکبیر منتشر شده است. اولین شماره آن جمعه ۵ ربیع‌الثانی ۱۲۶۷ ابتدا با نام روزنامه «اخبار دارالخلافة تهران» منتشر و از شماره دوم به «وقایع اتفاقیه» تغییر نام داد. در این روزنامه، اخبار داخلی شامل خبرهای مربوط به پایتخت (اخبار دارالخلافة)، دربار و سفرهای ناصرالدین‌شاه، عزل و نصب‌ها و اعطای مقام‌ها، نشان‌ها و امتیازات چاپ می‌شد. علاوه بر آن، برخی اخبار شهر مشهد به‌ویژه اخباری پراکنده درباره زنان مشهد و خراسان در آن درج شده است. مطالعه اخبار منتشرشده در این روزنامه حاکی از آن است که ادبیات نسبتاً خوبی درباره بانوان به کار رفته و اتفاقات



ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل:
سیدمیتهم موسوی مهر
سردبیر:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه:
حمیده وحیدی
صفحه‌آرایی و گرافیک:
ملک جمعی